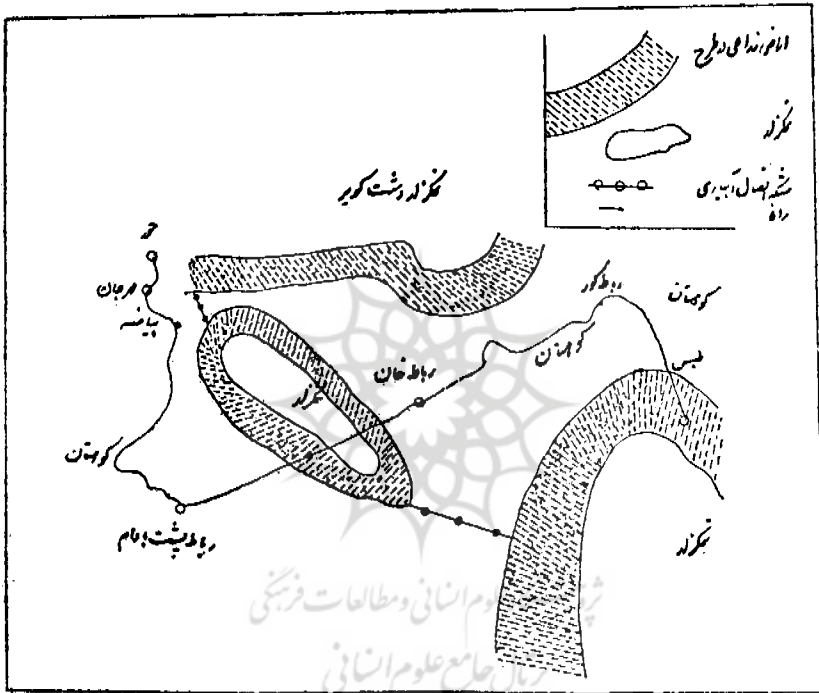


کویر را بشناسیم

۵-



پس از طی مسافتی مسیر راه از قسمت صاف به منطقه نیمه کوهستانی وارد شدیم درست چپ یک جاده به بشرویه می‌رفت ، بی‌اینکه به بشرویه برویم سه راهی را پشت سر گذاشتیم. طرفین مسیر ما عاری از آبادی بود و شکل کویری خود را حفظ کرده بود . پس از طی مسیر نیمه کوهستانی در منطقه‌ای صاف به فردوس رسیدیم که شهر زیبایی است و دارای ۲۰۰۰ نفر جمعیت است . آسمان صاف و هوایی آفتابی داشت ، پس از گردش در خیابانهای شهر و در نظر گرفتن شکل شهر به مقصد گناباد خارج شدیم .

این منطقه بطور طبیعی ریواس خیز است و ریواس از علف هرز هم زیادتر است . به آبگرم وارد شدیم ساختمانی آجری و ۲ طبقه برای آن درست کرده‌اند و آب گرم معدنی از تپه بیرون می‌آید و وارد حمام‌ها می‌شود ، لیکن مقدار آبگرمی که از تپه خارج می‌شود زیاد نیست .

کم کم به یک کوهستان نسبتاً بلند رسیدیم . این رشته جبال که تقریباً در جهت شمال غربی - جنوب شرقی است شهرستانهای بیرجند - قائن و گناباد را در بر گرفته است . در این کوهستان ناگهان زمینهای زراعتی دیم توجه مرا جلب کرد و این واقعاً برای ما تعجب آور بود زیرا در منطقه کویر بارندگی کمتر از آنست که بتوان زراعت دیم کاری داشت .

ما به کوهستان بلند و کرانه‌های حساسی رسیدیم که ناگهان رگباری اتمیلیل ما را شستشو داد و برای اولین بار برف پاک کن را بکار انداختیم . از کوهستان و گردنه خارج شدیم . دشتی صاف پیش روی ما گسترده شد .

پس از طی حدود بیست کیلومتر به گناباد رسیدیم . منظره شهر گناباد و جاده اسفالت و وجود کوهستان و دیم کاری و رگبار ما را بکلی از کویر و منطقه کویری دور کرد . فی - الواقع اگر در کویر رشته جبال بلندی وجود داشت مسلماً آب و هوای کویر بشکل دیگری بود و امروز ما کویر نداشتیم . هوای آنروز ابری بود و ما از گناباد خارج شدیم . و آهسته آهسته دشتی سرازیر را پشت سر گذاشتیم . مقصد ما کاشمر و سبزوار بود یکی برای اینکه تربت حیدریه را ببینیم بدان شهر رقیتم تربت حیدریه و کاشمر را در پناه خود قرار داده است و به برکت این کوهستانها و آبهای دائمی چشمه و قناتها ، این شهرها دایر شده است .

کاشمر شهر زیبایی است که دارای امکانات شهری خوبی می باشد . لیکن خیابانهای کاشمر کم عرض می باشند . آثار قدیمی و مساجد زیادی در این شهر می باشد .

آبی زیاد از بالای تپه بیرون می آمد و در بالای تپه استخر و رستورانی داخل باغ بزرگی بوجود آورده اند و همانطور که آب پائین و پائین تر می آمد سبزی و گل را به همراه خود تا بولوار بسیار عریضی که درخت کاری شده بود می آورد . این بولوار تا شهر ادامه دارد . در کنار همان تپه نیز گنبد فیروزه‌ای مقبره‌ای موجود است که زیبایی خاصی به بولوار و باغ داده است . دیدن این منظره عالی در آن نقطه مجاور کویر بسیار فرح افزا و خاطره انگیز است .

به يك امامزاده داخل شهر هدایت شدیم . امامزاده دارای باغ بزرگی بود که در آن حدود چندین اصله درخت سرو و کاج کهن موجود بود . تصور می کنم ارتفاع هر یک از آنها حدود ۴۰ متر می شد و سن آنها به ۵۰۰ سال می رسیدند . محیط هر یک از آنها به حدود ۳ تا ۴ متر بالغ می شدند . به هر حال بسیار پر ایهت بودند .

مسافتی که پیمودیم آثار ماسه‌های روان مشاهده شد و پس از آن تابلوهای يك پارک جنگلی آشکار گردید . (توضیح آنکه از کاشمر تا اینجا ما به ماسه بادی برخورد نکردیم و نیز علف دشتها و کوهستانها قابل ملاحظه نبود) ، به داخل پارک جنگلی سبزوار رقیتم از پارک دور شدیم و پس از طی چند کیلومتر به سبزوار ، یکی از شهرهای بزرگ و زیبای خراسان فعلی رسیدیم .

ابتدا به يك میدان وسیع مستطیلی وارد شدیم که تازه احداث شده بود و دارای فوارهای زیبا و مجسمه و فضای سبز زیادی بود . این میدان بایک خیابان وسیع و چند خیابان معمولی

بشهر وصل می‌شود. در شهر خیابانها و مناظرهای زیبایی وجود دارد.

پیشنهاد تشکیل استان کویری

آنچه مسلم است دولت ما هشیار است و همان گونه که ازهم اکنون ب فکر پایان یافتن نفت و جایگزینی آن بوسیله ماده دیگری میباشد این پیشنهاد را بااین دانشگاه اختصاصی برای بهره برداری ازسرزمینی بوسعت یش ازیکه سوم سطح کشور تقریباً خالی است نادیده نخواهد گرفت.

تحقیق درباره نحوه ساختمان راه ها و راه آهن ها و فرودگاه ها و طرق ارتباط در نمکزارها بعهده این دانشگاه است.

مسئله مطالعات این دانشگاه دقیقاً باید در این استان بمرز اجرا گذارده شود تا پایه يك استان مفید و انرژی زا و صنعتی در صحرا گذارده شود بنابر این رکن اساسی این استان دانشگاه کویری است. اگر چنین استانی تشکیل شود مسئولان استان فقط با مسئله بزرگ کویر مواجه هستند و بهتر می‌توانند با مشکلات کویری مبارزه کنند و نیز بودجه‌ای قابل ملاحظه باین استان اختصاص می‌یابد که بیش از نیمی از این بودجه به تحقیقات دانشگاهی اختصاص می‌یابد که بالطبع منشأ اثر خواهد بود.

به دلیل اهمیتی که کویر در آتیه خواهد یافت و نیز رسیدگی اختصاصی باین مکان کنار افتاده و بهره برداری از انرژی خورشیدی پیشنهاد تشکیل یک استان کویری را می‌نمایم. اگر این استان با بودجه مجزا تشکیل شود، چون برای منطقه بخصوصی است که دارای شرایط آب و هوایی خاصی است از لحاظ عمران و آبادی موفق تر خواهد بود. مرکز این استان بهتر است طبرس یا خور باشد که به کار تحقیقات در زمینه‌های مختلف زیر بپردازد.

۱ - استفاده از انرژی فراوان آفتاب، زیرا بعلت کمی ابر تقریباً در تمام مدت سال این مناطق دارای آفتاب درخشان است. بعلت کم شدن منابع نفتی کشورهای مختلف توجه زیادی به انرژی خورشیدی و مطالعات در این زمینه می‌نمایند. سال گذشته دانشگاه بر کلی کالیفرنیا فعالیت تازه‌ای را برای آوردن طرق استفاده از انرژی خورشیدی در دستگاه‌های خانگی و سایر دستگاهها آغاز نمود.

۲ - مطالعه درباره استفاده از انرژی‌های دیگر نظیر باد و غیره.

۳ - مطالعه درباره گیاهان و جانوران منطقه کویر و طریقه پرورش آنها.

۴ - تحقیق درباره معادن و نحوه بهره برداری آنها در کویر بنحوی که مقرون به صرفه باشد.

۵ - تحقیق درباره تهیه آب از راه‌های مختلف.

۶ - تحقیق درباره مصرف آب و نحوه آبرسانی بنقاط بنحوی که از تبخیر شدید جلو-

گیری شود.

سبزوار را بطرف شاهرود پشت سر گذاشتیم . پس از حدود ۶۰ کیلومتر تعداد آبادیهما بسیار کم شد و از آن پس جاده اسفالت از کویر و از داخل اراضی لم یزرع عبور می کرد. به قریه داورزن رسیدیم که دارای آب و برق بود . پس از داورزن جاده يك چرخش ۹۰ درجه نمود و به روی يك پل رسید که روی رودخانه (کال شور) زده شده است . کال شور رودخانه نسبتاً طویل و کم شیبی است. این رودخانه کاملاً مشخصات رودخانه کویری را دارا میباشد یعنی آب آن تلخ و شور است . شیب آن ملایم است و طغیان زیادی ندارد.

پس از قطع کال شور وطی دهها کیلومتر به يك کاروانسرا و يك آبادی نسبتاً بزرگ بنام عباس آباد رسیدیم . عباس آباد داخل تپه ماهورهای متعددی است و در شمال آن و جنوب يك کوه معدن مشهور مس عباس آباد وجود دارد که ما از آن معدن بازدید کردیم و نمونه‌هایی از سنگهای آنرا نیز همراه آوردیم .

معدن تقریباً تعطیل بود و با سرعت نسبتاً کمی مشغول استخراج بودند . چند سال پیش شرکت مرمول مأمور تهیه نقشه از منطقه و سیمی برای بهره برداری از این معدن بود و من که مدیرعامل شرکت بودم برای نظارت چند روز در اینجا بودم . این منطقه در زمستان محل سکونت دام داران است و علف بسیار زیادی در فصل زمستان در اینجا موجود است و چون بعلت کمی ارتفاع منطقه هوا گرم است محل قشلاقی دامداران است و دامداران در محل‌های بسیار بدی زندگی می کنند آنها گودالهایی بعمق ۱ متر در زمین حفر می کنند و دود را دور آنرا با سنگ و خاک دیوار می چینند.

جاده سبزوار - شاهرود اسفالت است ولی پیچ‌های تنگی دارد بطوریکه در اثر کم بودن شعاع پیچ ما از يك حادثه خطرناک جستمیم. زیرا این جاده تقریباً قدیمی است و مقامات مسئول نباید عیناً مسیر آنرا اسفالت کنند بلکه چون سرعت اتومبیل‌ها فعلاً زیاد شده باید اول مسیر جاده را اصلاح کنند و شعاع‌های کم آنرا زیاد کنند و بعداً اقدام به اسفالت آن بنمایند . این مسئله جداً حیاتی است زیرا در اکثر جاده‌های ایران نقاط خطرناک دیده میشود. مثلاً نزدیک پل دختر در جاده اراک - اندیمشک ناگهان يك پیچ با شعاع کم وجود دارد که راننده اصلاً انتظار آنرا نمی کشد باینجهت تا بحال دهها ماشین برودخانه پرت شده است. مقامات مسئول و مهندسين مشاور راه باید جداً از تصویب مسیرهایی که نقاط ناگهانی غیر عادی دارد بپرهیزند ما تا میامی رفتیم و پس از بنزین گیری چند کیلومتر برگشتیم که به بیارجمند برویم . از جاده اسفالت تا بیارجمند حتی يك ده وجود ندارد و تمام مسیر از اراضی لم یزرع میگذشت . ولی بیارجمند مکان بسیار خوب و پر آبی است و آب قنات پر آبی از کنار جاده میگذشت. بیمارستانی هم در دست ساختمان بود و جالب اینجاست که در این قریه يك کتابخانه هم وجود دارد که باعث خوشحالی من شد.

در سمت مشرق بیارجمند و در زمینهای پست چند آبادی از دور دیده میشود ولی سه طرف دیگر کاملاً خالی از آبادی و کشت است . ما قاعدتاً باید به میامی برمی گشتیم ولی من در نقشه دیدم که فاصله بین بیارجمند و طرود زیاد نیست و بعلاوه کوه بلندى هم سر راه نیست باین جهت پرسیدم (آیا می شود از اینجا به طرود رفت یا نه ؟) در جواب گفته شد که با

ماشین نمی‌توانید بروید و یا حداقل شما نمی‌توانید بروید ولی راه پیاده‌رو وجود دارد .
 به‌رحال برای افتادیم ابتدا چند کامیون حامل کود گوسفندی از کنار ما رد شد. پس از طی چند کیلومتر دیگر به یک مسیر کامیون رو ناهموار رسیدیم . دنبال راه را گرفتیم تا بیک سه راهی رسید یکی از آنها را ادامه دادیم و جلورفتیم . در راه هیچکس را ندیدیم . حتی یک چوپان هم پیدا نشد. به‌رحال پس از طی مسافتی زیاد شب شد ولی در تاریکی شب شب یک آبادی کوچک کنار جاده پیدا شد. با آنجا رفتیم. دوسه خانوار آنجا بودند. نحوه راه طرود را پرسیدیم و راه افتادیم . اتفاقاً شخصی با اسم سید آقا هم که اهل طرود بود در آنجا بما برخورد و ما او را سوار کردیم .

حوالی ساعت ۹ شب به طرود رسیدیم سید آقا اصرار کرد که شب را در منزل اوباشیم . هوای طرود مانند خور گرم است و خرما در آنجا عمل می‌آید. جوهر در ایام عید نوروز خوشه کرده بود. طرود هم مانند خور کنار نمکرار بزرگ است. لیکن داخل تپه‌های شیارمانند مانند است و اراضی آن مانند خور صاف نیست.

سه راه از طرود به شهر شاهرود - دامغان و سمنان موجود است . ما راه سمنان را انتخاب کردیم. به قریه سطوره رسیدیم و سپس به حسینان وارد شدیم. در حسینان بنزین لیتری ۱۲ ریال پیدا کردیم و برای افتادیم و به قریه معلمان رسیدیم. این سه قریه نزدیک هم هستند و معلمان تقریباً کنار کویر است و پس از این سه آبادی هیچ قریه‌ای تا سمنان نیست.

برای جوش دادن کار ترسؤال کردیم. مکانیک‌ها ما را سردوانیدند. معلوم شد که گرفتار هستند و کار زیاد باعث این شد که ما از جوش دادن کارتر صرف‌نظر کنیم و به بعد موکول کنیم . از سمنان برای افتادیم و در ایوانکی آنرا بیک نفر گلگیر ساز نشان دادیم وی گفت باید کارتر پیاده شود و برای اینکار موتور هم باید پائین بیاید. من موافقت نکردم و بشخص دیگری نشان دادم ایشان گفت من جوش میدهم ولی باید مواظب باشیم . در حین جوش دادن آتش به روغن‌های اطراف سرایت کرد و مشتعل شد که با آب آنرا خاموش کردیم. به‌رحال کارتر را هم جوش دادیم و من پند گرفتیم که نباید عجله کرد و نباید حرف آنها تیکه تجربه دارند نادیده گرفت چه اگر ماشین آتش می‌گرفت اوضاع بسیار بد میشد .

وارد تهران بزرگ شدیم اما تهران ما را نمی‌پذیرفت زیرا ده‌ها کیلومتر به وسط شهر مانده راه بندها عجیبی پیش آمده بود استقبال تلخ ترافیک تهران کویر را در نظر ما مطبوع‌تر کرد. امید است در آتیه بتوانم قسمتهای دیگر کویر و کویر لوت را هم تاحدی بشناسانم.

« پایان »

